



۲۰۱۵/۰۲/۲۱

میر عنایت الله آشفته

جوانان آگاه چشم امید ملت بشما دوخته شده است!

این مختصر را با ذکر ۳ نکته خواستم با آینده سازان کشور؛ شریک سازم تا راه طی شده اشتباه را، شما سروران عزیز تکرار نکنید.

۱ - آنچه عده ای از رهبران چپ و راست، برخورد غیرمسئولانه، خیال پردازانه، عقده مندانه، خودخواهانه، تنگ نظرانه؛ بیگانه پرستانه، آرمانگرایانه و شعار پردازانه انجام دادند؛ شما آگاهانه پرهیز کنید.

۲ - به آنچه عده ای از رهبران چپ و راست بنام طرح، برنامه یا هدف تعیین نمودند و هرگز به آن اصول وضع شده خود، باور نداشتند، عمل نکردند و هیچ یک از دنباله روان، مانع انحراف شان نشدند؛ شما متوجه باشید.

۳ - آنچه از رهبران چپ و راست؛ که شخصیت های مبارز و نامدار کشور های بیگانه را با ایدئولوژی های شان منحیث پیشوا و رهبر خود انتخاب و طرح های شان را نسخه نجات کشور ما می دانستند، عملکرد و تجارب کشور های بیگانه را بدون رعایت اوضاع و احوال و سطح رشد کشور ما قابل تطبیق دانسته حتی با تقلید ریش، بروت، کلاه بیک دار، لباس، دستمال گردن و . . . قیافه، رفتار و گفتار را تقلید می نمودند. ولی هرگز به اعمال وطن دوستانه آنها توجه نداشتند. اما آموختن از تجارب کشور ها و درس عبرت گرفتن از تاریخ؛ حتمی می باشد. تحلیل، انطباق، عمل، کار جامعه شناسانه می طلبد.

ملتی دردمند، اسیر زورمندان استفاده جو و درغم نشسته افغان، پس از ۳۶ سال ایثار و قربانی؛ بازهم بدون هدف و نقشه راه، دنبال حوادث عمداً خلق ساخته شده جعلکاران تاریخ، سرگردان اند. تحمیل و تلاش تطبیق سه تیوری کاملاً متضاد در ۳۶ سال گذشته به دستور و حمایت بیگانه ها توسط عده ای از سیاسیون افغان و مدعیان کاذب خدمتگزار!؟ با پیش کشیدن شعار های دور از واقعیت و غیر عملی (اعمار جامعه بدون طبقه، درحمایت پیمان نظامی و ارسا، استقرار نظام شریعت اسلامی با سوء استفاده از خون ملت مجاهد و مسلمان افغان در حمایت رقبای اتحاد شوروی، و نظام به اصطلاح دیموکراتیک غربی به زور بی ۵۲ و حمایت پیمان نظامی ناتو)؛ ملت ما را متفرق و به گروگان گرفت. بناء جای تعمق است که چرا هیچ یک از این تحولات خونبار، با وجود همه ساز و برگ نظامی و امکانات یاد آورده از خارج کشور، مثمر واقع نشد.

جوانان عزیز: - نویسنده این سطور (قربانی نسل سوخته) که نو بالغی بیش نبودم و با هیچ رژیمی کار نکردم، چشم دید بیطرفانه بدون خب و بغض خود را در کنار صد ها وطن دوست دیگر بیان می دارم، که: بر علاوه عوامل بیرونی از جمله جنگ سرد؛ یکی از دلایلی عمده سیاه روزی ملت افغانستان؛ سوء استفاده رهبران سیاسی، از اعتماد و عدم پختگی دنباله روان خویش و نسل جوان کشور می باشد. رهبران امتیاز بگیر چپ و راست هیچ دلیلی موجه؛ متکی بر ادعای بلند و بالای ایدئولوژی های وارده و خطوط فکری شان که در فوق ذکر شد؛ منطقی به ایجاد احزاب، سازمان ها، گروه های متعدد همگون و هم سان، انشعابات پیهم و پیوسته را جز برای اخذ امتیازات از بیگانه نداشتند و ندارند؛ فقط خود خواهی و خود محوری شان بوده؛ آنهم در تبنانی و هدایت همسایه های طماع، یا سفارت خانه و مؤسسات خارجی!

از مدعیان دیگر اندیشان شکوه و گلایه نداریم! ولی نزد هر هموطن مؤمن و مسلمان که باور راسخ به خداوند(ج) به قرآن کریم و حضرت پیغمبر محمد (ص) داریم، نزد هر یک از هموطنان ما حق این سؤال محفوظ است که چه نیازی به این تعداد احزاب، گروه ها و سازمان های اسلامی بوده و هست؟ مگر تفرقه شیعه و سنی کافی نبود؟ تا چه زمانی استعمار را مورد نکوهش قرار دارد؟ وقتی دالر، قدرت و حمایت غربی هست، هیچ مشکلی وجود ندارد؛ به مجرد کم مبری ولینعمت و نرسیدن وزارت خانه ها و . . . پس از ۱۳ سال حاکمیت فرعون و جنگیدن برای حفظ قدرت؛ در کنار قوای ناتو؛ چگونه دوباره از نام مقدس جهاد سوء استفاده می نمایند؟ غافل از این که اکثریت ملت خود مجاهد یا وارث مجاهدین اند و با مجاهدین حقیقی مشکلی ندارند؛ مشکل با استفاده جویانی است که به نام خدا هر ناروایی را که خواستند انجام دادند. ناگفته نباید گذاشت که مجاهد و خانواده های مجاهدین چه در داخل و چه در خارج در انزوا و پی دریافت لقمه نانی حلال درگیر مشقات زندگی اند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښي پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ

اما دور از انصاف و غیر واقع‌بینانه خواهد بود که در بست همه شخصیت‌ها و سیاسیون ۳۶ ساله کشور و تحولات فاجعه بار را، مساویانه مسؤول قرار داد؛ ولی می‌توان مسبب اصلی این همه رویداد‌های نامطلوب انجام شده در حق ملت را، به بی‌اعتنایی و ترجیح دادن منافع کوچک ایدئولوژیک حزبی، گروهی، سمتی، قومی، زبانی؛ نسبت به منافع علیای کشور دانست! این عدم پاسخ‌گویی در حالی جزء فرهنگ سیاسی کشور گردیده که دیگر ترسی از خدا و مأخذ دولت و قضاوت تأریخ از اعتبار، عمداً ساقط گردانیده شد.

پیامد‌های تحمیلی نه تنها ملت را متفرق گردانیده؛ بلکه شیرازه کشور، اختیار تمامیت ارضی، تسلط و اختیار بر آن از طریق معامله‌های ننگین متعدد پنهان و نهان قدرت‌های جهانی، منطقه‌ای، همسایه‌ها و نیروهای جنگنده سلاح بدست به جلسه‌های مجهول جبل سراج، شورای جلال آباد، پشاور، اسلام آباد، تهران، عربستان، . . . الی بن آلمان و تداوم آن ظاهراً در فیصله‌های لویه جرگه‌ها، حکومت مؤقت، انتخابی؟! بار اول و دوم، انتخابات؟! به یادگار ماندنی ۱۳۹۳ به توافق کشور‌های حداقل (۶+۱) و تیم‌های تداوم و اصلاحات، از دست بیرون شد.

ایجاد حکومت دو منزله در غیاب و خارج اراده آزاد ملت و آن شعبده‌بازی بنام انتخابات در خارج از سرحدات کشور یا سفارت‌خانه‌های مقیم در کابل صورت پذیرفته است. مسئله تأمین صلح نیز بوضاحت نشان می‌دهد که بازیگران اصلی ریاض، برلین، پاکستان، ترکیه، فرانسه، امریکا، چین، قطر و . . . می‌باشند و حق تعیین سرنوشت ملت افغان در اختیار بیگانگان قرار داده داشته، آنها نقش محوری و تعیین‌کننده دارند. بناءً همچون رهبران آزمون شده، امتیاز بگیر، مجاهد نما و بیگانه از ملت را به شواهد تأریخ، هیچ زمانی مردم صلحشور و آزادمش افغان؛ نخواهند پذیرفت. جوانان عزیز؛ شما تحصیل‌یافتگان روزگار دیده، شما عزیزانی که از طفولیت تا ایندم پیوسته در فضای جنگ و ریختن خون اعضای خانواده، اقارب، همسایه‌ها، همشهری‌ها و هموطنان عزیزتان، بزرگ شده‌اید، شما گم‌کردگان فضای صلح و آرامش؛ گاه در مکاتب زادگاه و گاه در مدارس کشور‌های همسایه و منطقه با عالمی از محرومیت‌ها، کمبود‌های آوارگی تحمیلی در مهاجرت، اما مسلط بر زبان‌های رسمی کشور و زبان‌های خارجی کسب‌تعلیم و تحصیل نموده‌اید، نگذارید که ۵ سال بعد دست خالی از ناگزیری یکبار دیگر در خدمت فاسد دیگر قرار گیرید! این وظیفه و رسالت شماست؛ مسؤولانه بدون دریافت مُزد از سفارت یا مؤسسات خارجی از حال باید آگاهانه و هدفمند کار تشکیلاتی کرد. نبود یک جنبش فراگیر ملی گرا، مسلمان، متعهد به وطن، مؤمن و معتقد به باورها و عقاید مردم، منور، سخت‌وفادار به ترقیخواهی، آزادمندی و پایبند به منافع علیای کشور (جنبش افغانستان شمول) که فارغ از تعصب سمت، زبان، قوم، مذهب، نقض حقوق بشر، فساد، جاسوسی، خراب‌کاری، وطن‌فروشی، قاچاق بری و . . . مبراً باشند. مردم از فقدان همچو یک تشکل مردمی متعلق بخودشان شدیداً در آینده‌ای چندین دور، بیشتر متضرر می‌گردند. این یک نیاز و یک ضرورت تأریخی به عهده شما می‌باشد؛ نگزارید که اپوزیسیون قانونمند را دولتی‌های امتیاز بگیر و مجاز، جهت مهار خواست‌های برحق اکثریت قاطع ملت، معامله گران ایجاد نمایند!

میر عنایت الله آشفته - حوت ۱۳۹۳

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی